

قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران

علی یوسفی^۱، احمدرضا اصغرپور ماسوله^۲

(تاریخ دریافت ۸۷/۷/۲۱، تاریخ پذیرش ۸۸/۲/۵)

چکیده

قوم‌مداری، نوعی تلقی فرهنگی است که براساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و براساس دیدگاه‌های قالبی درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کند. به همین جهت در جوامع چندقومی، قوم‌مداری، یک مانع فرهنگی برای شکل‌گیری و گسترش روابط بین قومی است. تحلیل ثانویه داده‌های یک تحقیق در بین هشت قوم ایرانی شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و طالش نشان می‌دهد که اولاً قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، در عین حال کمترین قوم‌مداری از آن عرب‌ها و بیشترین قوم‌مداری از آن قوم بلوچ است. ثانیاً قوم‌مداری از یک سو سبب تضعیف روابط همزیستانه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می‌گردد و ثالثاً قوم‌مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه روابط بین قومی می‌گردد. **واژگان کلیدی:** قومیت، روابط بین قومی، قوم‌مداری.

* Yousofi@um.ac.ir

*۱: استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مساله قوم‌مداری

امروزه تنوع قومی، واقعیتی نسبتاً فراگیر و جهانی است و اقوام، سهم بسزایی در صلح یا منازعه داخلی و خارجی کشورها دارند (Gurr & Harff 1994; Gurr 1993, 2000; Harff and Gurr 1998). از سویی قوم‌مداری^۱ یا برتری‌طلبی قومی نیز مساله‌ای جهانی است و برخی از پژوهشگران، آن را پدیده‌ای طبیعی می‌دانند (همان و Lester 2004: 105). این مفهوم، سهم بسزایی در فهم‌گرایش‌های برون‌گروهی و روابط درون‌گروهی دارد (Neuliep & McCroskey 1997: 385). زیرا قوم‌مداری با برتری‌طلبی و تحقیر سایر اقوام همراه است و این امر یک مانع مهم برای برقراری رابطه بین قومی، به‌ویژه نقل و انتقال فرهنگی^۲ در بین اقوام محسوب می‌شود و زمینه ذهنی را برای تبعیض و تضاد قومی فراهم می‌آورد.^۳ دیدگاه قوم‌مدارانه فقط دیدگاه فرهنگی خود را نسبت به جهان مقبول می‌داند (Carignan & colleagues 2005: 3) و بسیاری از محققین آن را «مانع تشکیل یک فضای قومی - فرهنگی»^۴ می‌دانند (همان).

براین اساس، توجه به پدیده قوم‌مداری در یک جامعه چندقومی همانند ایران که یکپارچگی آن تا حد زیادی منوط به مسالمت و همزیستی اقوام مختلف است، اهمیت زیادی دارد و شدت و ضعف قوم‌مداری می‌تواند سهم به‌سزایی در تضعیف یا تقویت روابط بین اقوام قومی و در نتیجه تضعیف یا تقویت یکپارچگی ملی داشته باشد. مقاله‌ی حاضر درصدد است با تحلیل ثانویه‌ی داده‌های یک تحقیق قومی^۵، علاوه بر ارائه‌ی یک تصویر تجربی روشن از وضعیت قوم‌مداری اقوام ایرانی، رابطه‌ی این پدیده را با کم و کیف روابط بین اقوام، واریسی نماید.

1. Ethnocentrism.

2. Acculturation.

۳. علاوه بر تضادهای قومی، به مساله قوم‌مداری در بررسی‌های مربوط به عدم پایداری نهادهای دموکراتیک، جنگ و حتی انتخاب کالا توسط مصرف‌کنندگان و رای دهی نیز پرداخته شده‌است (Hammond & Axelrod 2005: 2).

4. Ethno-cultural sphere.

۵. این تحقیق با عنوان «هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران» با مسولیت آقای دکتر مسعود چلبی و همکاری نگارنده (یوسفی) در فاصله سالهای ۸۰-۱۳۷۷ برای وزارت کشور (معاونت امور اجتماعی و شوراها) انجام گرفته‌است.

تعریف قومیت

اگرچه در تعریف قومیت^۱ اختلاف نظر وجود دارد، لکن با مقایسه تعاریف معروف می‌توان به یک تعریف نسبتاً با دوام از این مفهوم دست یافت. برخی معتقدند قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه‌ی بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که براساس آنها، هویت گروه تعریف می‌شود» (Burgess 1986, 54) و احمدی (۱۳۸۲: ۳۷). نکته‌ی اساسی این است که اعضای گروه قومی از تعلقشان به گروه آگاهی دارند و این آگاهی نیز در کشاکش تصوّر آنان از دیگران شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر تصور «ما» در نزد گروه‌های قومی در پرتو تصور این گروه‌ها از «آنها»^۲ معنا پیدا می‌کند. اعضای «یک گروه قومی، متشکل از افرادی است که خودشان را از حیث اینکه دارای تبار مشترک (واقعی یا خیالی) هستند، همانند هم می‌بینند و توسط دیگران نیز چنین در نظر گرفته می‌شوند» (Ringer & Lawless 1989:1). بر این اساس گروه‌های قومی به طور مداوم، توسط دو مجموعه نیروی پویا احاطه می‌شوند: مجموعه نیروهای داخلی که سبب تثبیت و دوام «ما - بودن» می‌شوند و مجموعه نیروهای بیرونی که سبب تشکیل و تعیین «آنها - بودن» می‌شوند. بدین جهت گروه‌های قومی نه موجودیت‌هایی کاملاً خود مختارند و نه کاملاً خود اتکاء، بلکه بخشی از یک نظام اجتماعی بزرگتر هستند که آنها را تحت تأثیر قرار داده و به آنها شکل می‌دهد (همان: ۱). در پرتو چنین تعریفی اقوام هشتگانه بلوچ، ترک، ترکمن، طالش، فارس، عرب، لر و کرد از جمله گروه‌های عمده‌ی قومی در ایران هستند که در عین حال که هریک دارای هویت فرهنگی ویژه‌ای هستند، همگی به‌عنوان عضوی از جامعه‌ی ایران، دارای مشترکات فرهنگی‌اند، به تعبیر دیگر بین هویت قومی و ملی آنها، اشتراک وجود دارد. اگرچه باید گفت در اغلب موارد مرزهای فرهنگی و نمادی اقوام در یک چارچوب ملی، به‌طور دقیق و قاطع قابل تفکیک نیستند و مرزبندی‌های متداخلی دارند (برتون ۱۳۸۰ و بالمر و سولوموس ۱۳۸۱) و تجارب پژوهشی نیز نشان می‌دهد که با ملاک‌های اجتماعی و فرهنگی، اقوام را به گونه‌های

1. Ethnicity.

2. they.

مختلفی می‌توان دسته‌بندی نمود آنچنان که با دسته‌بندی‌ها و مرزبندی‌های رایج متفاوت باشد (یوسفی، ۱۳۸۱).

تعریف قوم‌مداری

قوم‌مداری، به معنای تمایل به در نظر گرفتن روش‌های فکری و رفتاری گروه خود به عنوان معیارهای عام است. برای این مفهوم دو وجه می‌توان قائل شد: یکی تمایل فرد نسبت به درون گروه است که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد گروه خود را با فضیلت‌تر و برتر می‌بیند و ارزش‌های گروه خودش را ارزش‌های عام تلقی می‌کند و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون گروه است که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد برون گروه‌ها را حقیر و پست می‌شمارد و ارزش‌های آنها را طرد می‌کند و سعی می‌کند فاصله‌ی اجتماعی‌اش را از برون گروه‌ها، حفظ نماید (Gudykunst, 1994, 77). نکته مهم در مفهوم قوم‌مداری، اعتقاد به فضیلت و برتری قوم خود (درون گروه) است و این امر خود متضمن کوچک شمردن دیگر اقوام (برون گروه) است. یک فرد قوم‌مدار، همواره اولویت را به درون گروه می‌دهد و به نفع درون گروه قضاوت می‌کند، به عقیده سامنر «قوم‌مداری، همواره با خوش‌بینی و افتخار نسبت به خودی و بدبینی و تحقیر نسبت به غریبه، همراه است» (Neuliep & McCroskey 1997: 385)، اگرچه بدبینی نسبت به غریبه‌ها ممکن است اکثر مردم را دربرگیرد «... اکثر مردم از غریبه‌ها خوششان نمی‌آید و نسبت به آنها احساس خصومت و ترس ابراز می‌کنند» (همان). این ویژگی قوم‌مداری که فرد همواره اولویت را به درون گروه می‌دهد و به نفع درون گروه قضاوت می‌کند ناشی از دیدگاه‌های قالبی است که به افراد عضو یک گروه اجازه می‌دهد حتی با داشتن کمترین اطلاعات به قضاوت درباره دیگران پردازند (Hammond & Axelrod 2004:4). رفتارهای قوم‌مدارانه، غالباً با تاکید برعناصر هویت قومی مثل زبان و لهجه، مذهب که میراث مشترک قوم نیز به حساب می‌آیند صورت می‌گیرد و تا حدی ترسیم‌کننده مرزهای نمادی و فرهنگی اقوام است.

تعریف روابط بین‌قومی

رابطه‌ی بین‌قومی، رابطه‌ی اجتماعی در بین اعضای گروه‌های قومی است. این رابطه شامل «یک مجموعه‌ی به هم پیوسته از کنش‌های انسانی معنادار» (Weber, 1978: 26-27) در یک زمینه معین است. براساس دیدگاه وبری (۱۳۸۴)، که الهام‌بخش تعریف رابطه‌ی اجتماعی در این نوشتار است، هر کنش‌گر در ضمن کنش خود، کنش دیگران را نیز در نظر می‌گیرد. اگرچه رابطه‌ی اجتماعی متضمن این است که معانی محتمل کنش برای کنش‌گران قابل ادراک باشد، لکن ممکن است درک افراد درگیر رابطه، یکسان نباشد. تبعاً اگر معنای کنش برای طرفین قابل درک نباشد رابطه‌ی اجتماعی نیز مختل و یا منحل می‌شود و یا ممکن است به سوء تفاهم بینجامد، هرچند الزامی برای وقوع چنین رابطه‌ای وجود ندارد. چهار عنصر سازنده‌ی رابطه‌ی اجتماعی یا نظام کنش متقابل را می‌توان از هم تفکیک نمود و اهمیت هر یک را مورد توجه قرار داد:

- (۱) مجموعه‌ای از «واحدها» که با هم کنش متقابل انجام می‌دهند؛
- (۲) مجموعه‌ای از قواعد یا دستورالعمل‌ها که به جهت‌گیری‌های واحدها و خود کنش متقابل نظم می‌دهد؛
- (۳) نظام یا فرآیند نظم یافته یا الگودار خود کنش متقابل؛
- (۴) محیطی که کنش در آن رخ می‌دهد و مبادلات نظام‌مند با آن صورت می‌گیرد (Parsons, 1977: 163).

مهمترین شرط انسجام نظام کنش متقابل و در اینجا تداوم رابطه‌ی اجتماعی، قواعد (معنا) مشترک است. زیرا مبنا و معنای مشترک، «پتانسیل‌های تخریب نظام را کنترل می‌کند و واحدهای کنش‌گر خودمختار را به کانال‌هایی هدایت می‌کند که سیستم را تقویت کنند» (همان: ۱۶۸). چنانچه رابطه اجتماعی را مجموعه‌ای از کنش‌های اجتماعی معنی‌دار تلقی کنیم و طرح اجیل پارسونز^۱ را سرمشقی برای تفکیک انواع کنش معنادار قرار دهیم، در این صورت، چهار نوع رابطه‌ی اجتماعی را می‌توان از هم تفکیک نمود و آن را مبنایی برای مطالعه‌ی روابط بین‌قومی (بین اعضای گروه‌های قومی) قرارداد (شکل ۱). این چهار نوع رابطه عبارتند از: روابط مبادله‌ای (A)،

روابط قدرت (G)، روابط گفتمانی (L) و روابط ارتباطی یا اجتماعی (I) (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸). در حالیکه رابطه مبادله‌ای حامل معنای اقتصادی و پولی است مثل معامله و داد و ستد در بین اعضای گروه‌های قومی، رابطه گفتمانی حامل اندیشه و فکراست، مثل تبادل نظر در بین اعضای گروه‌های قومی. رابطه‌ی اجتماعی^۱ حامل احساس و عاطفه است مثل دوستی و معاشرت در بین اعضای گروه‌های قومی و در مقابل رابطه‌ی قدرتی متضمن قدرت و سیادت است، مثل نزاع، اختلاف و کدورت در بین اعضای گروه‌های قومی. نمودار چهار نوع رابطه‌ی اجتماعی در شکل (۱) مطابق طرح اجیل پارسونز ترسیم گردیده است.

مبادله‌ای		قدرتی
	G	A
	رابطه	
	I	L
گفتمانی		اجتماعی

شکل ۱ چهار نوع رابطه اجتماعی

روابط چهارگانه‌ی مذکور ضمن این که تحت تاثیر یکدیگر هستند، هرکدام از آنها برحسب شش خصوصیت ذیل تغییر می‌یابند:

- (۱) چگالی روابط اجتماعی: نسبت روابط موجود به روابط ممکن در بین کنش‌گران.
- (۲) قرینگی روابط اجتماعی: نسبت روابط دوجانبه به روابط یک جانبه در بین کنش‌گران.
- (۳) تعدد روابط اجتماعی: وجود رابطه بین کنش‌گران در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی^۲.
- (۴) شدت روابط اجتماعی: فراوانی روابط اجتماعی در بین کنش‌گران.

1. communal

۲. برحسب تعریف ارائه شده، شاید مناسب‌تر باشد به جای «تعدد رابطه» از مفهوم «تنوع رابطه» استفاده شود. به این دلیل که مفهوم تنوع، گوناگونی رابطه را به روشنی نشان می‌دهد در حالیکه تعدد بیشتر گویای فراوانی رابطه است.

قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران _____ علی یوسفی و همکار

(۵) تنوع گره‌ها و موجودیت^۱ها در روابط اجتماعی: پراکنش هویت‌های جمعی (مثل سازمان‌ها و گروه‌ها) در شبکه‌ی روابط اجتماعی (همان: ۸-۱۴۷). البته علاوه بر خصوصیات پنج‌گانه، عمومیت و شمول رابطه نیز در تغییر روابط اجتماعی مؤثر است:

(۶) عمومیت یا شمول رابطه اجتماعی: نسبت کنش‌گران درگیر رابطه به کل کنش‌گران موجود. بدین ترتیب روابط بین قومی را برحسب روابط مبادله‌ای، قدرتی، اجتماعی و گفت‌مانی در بین اعضای گروه‌های قومی می‌توان تعریف نمود که کم و کیف آن برحسب شش ویژگی شامل چگالی، قرینگی، تعدد، شدت، عمومیت و تنوع گره متغیر خواهد بود.

فرضیه اساسی

پیش از این گفته شد قوم‌مداری دارای دو وجه است: یکی تمایل فرد نسبت به درون قوم که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد قوم خود را با فضیلت‌تر و برتر از سایر اقوام می‌داند و ارزش‌های قومی خودش را ارزش‌های عام تلقی می‌کند و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون قوم است که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد برون قوم‌ها (افراد متعلق به گروه‌های قومی دیگر) را حقیر و پست می‌شمارد و ارزش‌های آنها را طرد می‌کند و بر این اساس سعی می‌کند فاصله‌ی اجتماعی‌اش را از آنها حفظ نماید. گروه‌های قوم‌مدار میل به عضویت گروهی را حفظ و تمایل به عضویت در برون گروه را ضعیف نگه می‌دارند و اغلب برون گروه را عامل مشکلات داخلی گروه قلمداد می‌کنند. بدین ترتیب قوم‌مداری از طریق افزایش انسجام، هم‌نوایی، همکاری، وفاداری و کارایی به بقای گروه کمک می‌کند (Hammond & Axelrod 2005: 86) و در مقابل «همکاری‌های بین گروهی را کاهش می‌دهد» (همان، ۸۲). آنچنان که برخی از محققان معتقدند «در گروه‌های قوم‌مدار، از افراد متعلق به گروه‌های قومی دیگر انسانیت‌زدایی^۲ می‌شود» (Navarrete & Fessler 2006: 1). باندورا تاکید می‌کند که این انسانیت‌زدایی زمینه را برای انجام اعمال خشونت‌آمیز نسبت به گروه‌های دیگر فراهم می‌کند^۳

1. Entity

2. dehumanization

۳. با این حال از دیدگاه کارکردگرا، قوم‌مداری کارکرد مثبت نیز دارد: «قوم‌مداری به گروه در تلاش برای رسیدن به قدرت و

(Bandura 1999). بدین ترتیب در حالی که قوم‌مداری از یک سو روابط و وفاداری درون قومی را تقویت و به بقای قوم کمک می‌کند اما از سوی دیگر باعث تضعیف روابط و همزیستی اقوام می‌گردد. چنانچه محتوای چهارگانه روابط اجتماعی (مبادله‌ای، قدرتی، اجتماعی و گفتمانی) با خصوصیات شش‌گانه (چگالی، شدت، تقارن، تعدد، عمومیت و تنوع گره) به شرح پیش‌گفته را ملاک قرار دهیم بر این مبنا، فرضیه‌ی اساسی مقاله حاضر را می‌توان به شرح ذیل صورت‌بندی نمود:

«قوم‌مداری، روابط بین قومی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (روابط همزیستانه) را تضعیف و در مقابل روابط سیاسی (تعارضی) را تقویت می‌کند. بر این اساس متناسب با تشدید قوم‌مداری، خصوصیات رابطه‌ای اقوام (چگالی، شدت، تقارن، عمومیت و تعدد رابطه و تنوع گره) در بعد همزیستی تضعیف و در بعد تعارض، تقویت می‌گردد».

روش تحلیل

داده‌های مقاله‌ی حاضر از یک تحقیق پیمایشی اخذ گردیده که در سال ۱۳۷۸ در مناطق قومی‌کشور انجام گرفته‌است. جمعیت تحقیق مذکور شامل افراد ۱۸ ساله و بالاتر ساکن مناطق قومی مورد بررسی بوده که در یکی از اقوام هشت‌گانه شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و طالش عضویت داشته‌اند. در طی تحقیق مذکور با ۴۰۰۲ نفر در ۳۱ نقطه‌ی قومی‌کشور^۱ که به روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای و به صورتی تصادفی برگزیده شده‌اند، مصاحبه حضوری به عمل آمده و پایایی مقیاس قوم‌مداری نیز معادل ۰/۹۱ بوده است. داده‌های قوم‌مداری که «داده‌ی وصفی»^۲ محسوب می‌شوند هم در سطح فرد و هم در سطح قوم قابل تحلیل اند و در نوشتار حاضر اندازه‌ی آنها در سطح هر قوم برحسب شاخص‌های مرکزی و

ثروت کمک می‌کند. همچنین به افراد کمک می‌کند بتوانند امنیت شخصی خود را بیابند و این امر در موقعیت‌های تضاد آمیز به خوبی خود را نشان می‌دهد».

۱. نقاط مورد مطالعه شامل شهرهای تبریز، اردبیل، پارس اباد، ارومیه، مهاباد، سنندج، سقز، اهواز، ایذه، شادگان، کرمانشاه، اسلام آباد، پاوه، زنجان، زاهدان، خاش، ایران شهر، گنبد، آق قلا، بندر ترکمن، خرم آباد، بروجرد، کوهدشت، ایلام، فارسان، دهدشت، اصفهان، نورآباد ممسنی، طالش، رضوان شهر و ماسال بوده است.

2. attributional

قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین‌قومی در ایران _____ علی یوسفی و همکار

پراکندگی توصیف گردیده است لکن «داده‌های رابطه‌ای» که تنها در سطح قوم (۸ گروه قومی)، قابل تحلیل بوده اند مطابق با تعاریف ذیل شاخص‌سازی و سپس در تحلیل وارد شده‌اند:

۱. شدت روابط بین قومی: شدت رابطه‌ی بین هر زوج از اقوام هشتگانه بر حسب «میانگین رابطه اعضای هر قوم با قوم دیگر» محاسبه گردیده‌است.

۲. تعدد روابط بین قومی: تعدد (تنوع) رابطه‌ی بین هر زوج از اقوام هشت‌گانه برحسب درصد اعضای هر قوم که با اعضای قوم دیگر، دارای یک، دو یا سه نوع رابطه‌ی همزیستانه (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) هستند، برآورد گردیده‌است.

۳. تنوع گره در روابط بین قومی: تنوع گره در شبکه روابط بین قومی، برحسب اینکه چند درصد از اعضای هر قوم با چند قوم (هیچ قوم تا هفت قوم) دیگر رابطه‌ی همزیستانه (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) یا تعارضی (سیاسی) داشته‌اند، برآورد گردیده‌است.

۴. عمومیت رابطه‌ی بین قومی: عمومیت رابطه بین هر زوج از اقوام هشت‌گانه برحسب درصد افراد درگیر رابطه (درصد پاسخگویان قوم الف که با اعضای قوم ب رابطه دارند) برآورد گردیده‌است.^۱

بدین ترتیب، واحد تحلیل رابطه‌ی بین قومی، «قوم» در نظر گرفته شده و آزمون همبستگی دو متغیر قوم‌مداری و رابطه‌ی بین قومی، برپایه‌ی داده‌های ۸ واحد (قوم) انجام گرفته‌است و از آنجا که در این آزمون، کل جمعیت تحقیق (۸ قوم) وارد گردیده لذا سطح معناداری ضرایب گزارش نشده‌است و در واقع بحث تعمیم آماری بلا موضوع گردیده‌است.

یافته‌های پژوهش

ذیلاً ضمن معرفی نتایج سنجش قوم‌مداری در بین اقوام هشت‌گانه، اثر این متغیر بر روابط بین قومی تحلیل می‌گردد. لکن مقدم بر توصیف و تحلیل داده‌ها، جهت تبادل ذهن، ویژگی‌های

۱. متغیر قرینگی و چگالی روابط بین قومی از شمول تحلیل همبستگی خارج گردیده‌است. دلیل حذف مفهوم چگالی این بوده‌است. که برحسب تعریف، معنای آن در مفهوم شدت روابط بین قومی به شرحی که در اینجا منظور گردیده، مستتر است. بعلاوه مفهوم «روابط ممکن» در تعریف چگالی، سیال و قراردادی است و هر مقدار را می‌توان به آن نسبت داد و از این جهت تحلیل تجربی آن نامطمئن است اما دلیل حذف قرینگی، فقدان داده آن در سطح هر قوم بوده‌است.

جمعیتی پاسخگویان معرفی می‌گردد.

ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان: « از ۴۰۰۲ نفر مصاحبه‌ی انجام شده در ۳۱ نقطه قومی کشور، ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی و تحصیلی آنها به ترتیب ۳۴/۶ سال و ۹/۷ کلاس (دوره متوسطه) بوده است. بعلاوه از لحاظ وضع فعالیت ۴۶/۹ درصد شاغل، ۹/۶ درصد بیکار، ۴/۶ درصد بازنشسته، ۱۲/۴ درصد محصل (دانش‌آموز و دانشجو) و ۲۶/۵ درصد خانه‌دار بوده‌اند. قومیت ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان ترک، ۶/۶ درصد بلوچ، ۲/۵ درصد ترکمن، ۲/۵ درصد طالش، ۵ درصد عرب، ۱۷/۴ درصد فارس، ۱۶/۸ درصد کرد و ۱۶/۲ درصد نیز لر بوده‌اند. همچنین ۷۸/۷ درصد پاسخگویان شیعه و ۲۱/۳ درصد سنی بوده‌اند.»

میزان قوم‌مداری

قوم‌مداری برحسب تعریف با استفاده از هشت گویه یا نشانه به شرح جدول ۱، سنجیده شده و سپس میانگین موافقت با هریک از گویه‌ها برحسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ به تفکیک اقوام هشت‌گانه محاسبه گردیده‌است. از مقایسه میانگین‌ها چند نتیجه مهم حاصل می‌شود:

قوم‌مداری برحسب اغلب نشانه‌ها در نزد بلوچ‌ها بیشتر و بالعکس در نزد عرب‌ها کمتر از سایر اقوام است. با این حال بیشترین احساس برتری زبانی مربوط به فارس‌ها (۸۲)، بیشترین احساس برتری کاری مربوط به لرها (۷۶)، بیشترین احساس برتری شجاعت مربوط به آذری‌ها و لرها (۷۶) و بیشترین برتری احترامی (۶۶) مربوط به طالش‌ها و لرهاست.

از ترکیب هشت گویه قوم‌مداری، «شاخص کلی قوم‌مداری» ساخته شده و آماره‌های آن به تفکیک اقوام هشت‌گانه کشور در جدول ۲ منعکس گردیده که ذیلاً به نتایج مهم آن اشاره می‌گردد:

به طور کلی درصد اندکی از افراد فاقد قوم‌مداری (۰) هستند (۰/۲ درصد) و در نزد سه قوم بلوچ، ترکمن و طالش نیز، هیچ پاسخگوی فاقد قوم‌مداری وجود ندارد. در مقابل در نزد همه اقوام و در کل، درصد قابل توجهی از پاسخگویان (۷ درصد) دارای حداکثر قوم‌مداری (۱۰۰) هستند.

جدول ۱ میانگین موافقت با گویه‌های قوم‌مداری به تفکیک اقوام هشت‌گانه

ردیف	گویه‌های قوم‌مداری ^۱	میانگین موافقت به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰						
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	به نظر من زبان ۰۰۰۰، بهترین زبان در ایران است	۶۹	۷۲	۶۸	۶۱	۶۸	۸۲	۶۳
۲	۰۰۰۰، بیش از هر قومی شایسته احترامند.	۶۴	۶۵	۶۴	۶۶	۵۱	۵۶	۶۶
۳	به نظر من ۰۰۰۰ با هوش‌ترین مردم ایران هستند.	۶۴	۶۹	۶۲	۵۹	۴۸	۵۴	۵۷
۴	من فکر می‌کنم ۰۰۰۰ از همه اقوامی که در ایران زندگی می‌کنند، پرکارترند.	۷۴	۷۵	۶۷	۶۴	۵۵	۵۴	۶۶
۵	به نظر من، ۰۰۰۰ بهترین مردم ایران هستند.	۶۱	۷۰	۶۷	۶۲	۵۰	۵۳	۵۸
۶	۰۰۰۰ شجاع‌ترین مردم ایران هستند.	۷۶	۷۵	۶۶	۶۴	۶۰	۵۱	۷۰
۷	به نظر من ۰۰۰۰۰ از هر جهت بر دیگر اقوام ایرانی برتری دارند	۵۲	۶۱	۵۱	۶۰	۴۳	۴۳	۴۶
۸	من فکر می‌کنم که بهترین رسم و رسومات قومی ایران را، ۰۰۰۰ دارند.	۶۶	۶۹	۶۳	۶۶	۵۳	۵۹	۶۰

در کل، نمره‌ی قوم‌مداری ۷۵ درصد پاسخگویان بالاتر از ۴۷ نمره، ۵۰ درصد آنان بالاتر از ۶۲ و نمره ۲۵ درصد آنان نیز بالاتر از ۷۸ است. مقایسه‌ی مقادیر مشابه در نزد اقوام هشت‌گانه نشان می‌دهد که کمترین قوم‌مداری مربوط به عرب‌ها و بیشترین آن مربوط به بلوچ‌هاست. آنچنان که در نزد بلوچ‌ها، تنها قوم‌مداری ۲۵ درصد از افراد کمتر از ۵۶ است. این در حالی است که قوم‌مداری در نزد نیمی از عرب‌ها کمتر از حد متوسط (۵۰) است.

میانگین قوم‌مداری در کل پاسخگویان ۶۳ است و مقدار آن نیز در نزد هیچ یک از اقوام کمتر از حد متوسط (۵۰) نیست. در بین اقوام هشت‌گانه، کمترین میانگین قوم‌مداری مربوط به

۱. در گویه‌های قوم‌مداری به جای علامت نقطه چین، نام قوم مربوطه قرار گرفته است مثلاً در مصاحبه با پاسخگویان ترک‌زبان در گویه‌ی اول گفته شده: «به نظر من زبان ترکی، بهترین زبان در ایران است»، یا در گویه‌ی دوم گفته شده: «ترک‌ها بیش از هر قومی شایسته‌ی احترامند».

عرب‌ها (۵۳) و بیشترین آن مربوط به بلوچ‌ها (۶۹) است. اگر چه به طور کلی پراکنش قوم‌مداری در نزد همه‌ی اقوام (پاسخگویان) پایین (۲۲) است و احساس کم و بیش مشترکی از این لحاظ در بین آنها وجود دارد، با این حال، کمترین پراکنش قوم‌مداری مربوط به ترکمن‌ها (۲۰) و بیشترین پراکنش مربوط به فارس‌ها (۲۴) است.

جدول ۲ آماره‌های شاخص کلی قوم‌مداری به تفکیک اقوام هشت گانه

ردیف	نام قوم	تعداد پاسخ معتبر	آماره‌های قوم‌مداری به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰				انحراف معیار
			حداقل	حداکثر	چارک اول	چارک دوم	
۱	آذری	۱۲۷۸	۰	۱۰۰	۵۰	۶۶	۲۱
۲	بلوچ	۲۶۴	۶	۱۰۰	۵۶	۷۲	۲۲
۳	ترکمن	۹۸	۱۹	۱۰۰	۵۰	۵۹	۲۰
۴	طالبش	۱۰۲	۲۵	۱۰۰	۵۰	۶۲	۲۱
۵	عرب	۱۹۹	۰	۱۰۰	۳۴	۵۰	۲۳
۶	فارس	۶۷۵	۰	۱۰۰	۳۷	۵۶	۲۴
۷	کرد	۶۶۷	۰	۱۰۰	۴۷	۵۹	۲۲
۸	لر	۶۳۶	۰	۱۰۰	۵۳	۶۶	۲۱
	جمع	۳۹۱۹	۰	۱۰۰	۴۷	۶۲	۲۲

اثر قوم‌مداری بر روابط بین قومی^۱

مدعای اصلی مقاله این است که: «قوم‌مداری روابط همزیستانه بین قومی مشتمل بر روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را کاهش و در مقابل روابط سیاسی یا تعارضی بین قومی را تقویت می‌کند». ذیلاً با استفاده از روش تحلیل همبستگی، اثر متغیر قوم‌مداری بر چهار ویژگی روابط بین قومی شامل شدت، عمومیت و تعدد رابطه و همچنین تنوع گره در شبکه روابط بین قومی به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۲

۱. وضعیت روابط بین قومی در ایران در مقاله‌ی دیگری (یوسفی ۱۳۸۰) به تفصیل توصیف گردیده است.

۲. در محاسبه ضرایب همبستگی قوم‌مداری و روابط بین قومی، داده‌های دورافتاده (outlier) از محاسبه حذف و در هر جدول با اندیس معرفی شده‌اند.

اثر قوم‌مداری بر شدت روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌مداری و شدت رابطه بین قومی (فراوانی رابطه مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی و تعارضی در بین اقوام)، در جدول ۳ منعکس گردیده است. برحسب نتایج حاصله می‌توان گفت: از مجموعه ۳۲ ضریب همبستگی، جهت (+ یا -) ۶ مورد آنها خلاف انتظار و ۲۶ مورد آن موید فرضیه است. یعنی مطابق با پیش بینی نظری، قوم‌مداری، فراوانی (شدت) روابط همزیستانه قومی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) را در اغلب موارد کاهش و فراوانی (شدت) روابط تعارضی را افزایش داده است. موارد خلاف انتظار (همچون اثر قوم‌مداری بر روابط مبادله‌ای و اجتماعی با ترکمن‌ها که بر خلاف انتظار مثبت است) و همچنین کم یا زیاد بودن مقدار ضرایب، می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که متغیرهای پیش‌بینی نشده‌ای همچون مجاورت یا عدم مجاورت قومی و اجتناب ناپذیری رابطه، اثر قوم‌مداری بر فراوانی روابط بین قومی را تغییر داده باشند.

جدول ۳ مقادیر ضریب همبستگی قوم‌مداری و شدت (فراوانی) رابطه بین قومی

توضیحات	اثر قوم‌مداری بر فراوانی رابطه بین قومی				
	مبادله‌ای	عاطفی	گفتمانی	تعارضی	
(۱) رابطه‌ی مبادله‌ای اقوام مختلف با آذری‌ها از نظم خاصی پیروی نمی‌کند.	(۱)	(۲)	(۳)		آذری
(۲) با حذف عرب که رابطه‌ی اجتماعی بسیار اندک و تالش که رابطه‌ی بسیار بالایی با آذری دارند.	۰/۰۵۴	-۰/۷۲	-۰/۶۲	-۰/۴۳	
(۳) با حذف عرب که رابطه‌ی گفتمانی بسیار اندک و تالش که رابطه‌ی بسیار بالایی با آذری دارند.	(۴)		(۵)		بلوچ
(۴) با حذف ترکمن و عرب که به ترتیب روابط مبادله‌ای بسیار بالا و اندکی با بلوچ‌ها دارند.	-۰/۹۹	-۰/۴۳	-۰/۵۷	۰/۶۷	
(۵) با حذف قوم عرب که رابطه‌ی گفتمانی بسیار اندکی با قوم بلوچ دارد.	(۶)		(۶)		ترکمن
(۶) با حذف عرب که رابطه‌ی گفتمانی بسیار اندکی با قوم ترکمن دارد.	۰/۴۰	۰/۴۳	-۰/۳۵	۰/۸۲	
(۷) با حذف قوم بلوچ دارد.	(۷)				تالش
(۸) با حذف عرب که رابطه‌ی گفتمانی بسیار اندکی با قوم ترکمن دارد.	-۰/۸۲	-۰/۳۷	-۰/۳۶	۰/۸۲	
(۹) با حذف عرب که رابطه‌ی گفتمانی بسیار اندکی با قوم بلوچ دارد.	(۸)		(۹)		عرب
(۱۰) با حذف قوم بلوچ که رابطه‌ی گفتمانی بسیار بالایی با قوم فارس دارند.	-۰/۷۷	-۰/۶۴	-۰/۶۷	۰/۷۴	
(۱) با حذف قوم بلوچ که رابطه‌ی گفتمانی بسیار بالایی با قوم فارس دارند.	(۹)		(۱۰)		فارس
	-۰/۵۲	-۰/۶۹	-۰/۵۹	۰/۷۹	
	(۱۰)				کرد
	-۰/۴۶	۰/۳۹	-۰/۴۱	۰/۴۷	
	(۸)				لر
	-۰/۹۰	۰/۷۷	-۰/۸۰	۰/۸۱	

اثر قوم‌مداری بر عمومیت روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌مداری و عمومیت رابطه بین قومی (نسبتی از اعضای هر قوم که با اعضای قوم دیگر رابطه مبادله‌ای، عاطفی، گفتمانی و تعارضی دارند)، در جدول ۴ منعکس گردیده است. با توجه به جدول (۴) می‌توان گفت: از مجموعه ۳۲ ضریب همبستگی محاسبه شده، جهت (+ یا -) ۴ مورد آنها خلاف انتظار و ۲۸ مورد آن موید فرضیه است. برحسب فرضیه تحقیق، قوم‌مداری عمومیت و شمول روابط همزیستانه بین قومی (مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی) را کاهش و شمول رابطه‌ی تعارضی را افزایش می‌دهد. نتایج حاصله در اغلب موارد مؤید این فرضیه است و تنها در ۴ مورد (همچون اثر قوم‌مداری بر عمومیت رابطه‌ی اجتماعی اقوام با لرها) برخلاف انتظار، ظاهر شده است.

جدول ۴ مقادیر ضریب همبستگی قوم‌مداری و عمومیت رابطه‌ی بین قومی

توضیحات	اثر قوم‌مداری بر عمومیت رابطه‌ی بین قومی			
	مبادله‌ای	عاطفی	گفتمانی	تعارضی
(۱) با حذف تالش و ترکمن که علیرغم قوم‌مداری بالا، رابطه مبادله‌ای بالایی با آذری‌ها دارند.	(۱)	(۷)	(۱۳)	(۱۹)
(۲) با حذف ترکمن و عرب که اولی عمومیت رابطه مبادله‌ای بالایی با بلوچ‌ها دارد و دومی عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار پایینی با بلوچ‌ها دارد.	-۰/۱۲	-۰/۴۳	-۰/۲۵	۰/۱۹
(۳) با حذف بلوچ و عرب که اولی عمومیت رابطه مبادله‌ای بالایی با ترکمن‌ها دارد و دومی عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار پایینی با ترکمن‌ها دارد.	-۰/۹۴	-۰/۲۹	-۰/۱۷	۰/۲۴
(۴) با حذف عرب که عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار بالایی با تالش دارد.	(۳)	(۹)	(۱۵)	(۲۰)
(۵) با حذف بلوچ که علیرغم قوم‌مداری بالا رابطه مبادله‌ای نزدیکی با فارس‌ها دارند.	-۰/۵۳	-۰/۸۱	-۰/۴۹	۰/۰۳
(۶) با حذف عرب که رابطه مبادله‌ای بسیار اندکی با کردها دارند.	(۴)	(۱۰)	(۱۶)	(۲۱)
(۷) با حذف عرب که رابطه اجتماعی اندکی با آذری‌ها دارند.	-۰/۸۹	-۰/۷۱	-۰/۷۶	۰/۲۰
(۸) با حذف ترکمن که رابطه اجتماعی بالایی با بلوچ دارند.	(۵)	(۱۱)	(۱۷)	(۲۲)
(۹) با حذف بلوچ و عرب که اولی عمومیت رابطه مبادله‌ای بالایی با ترکمن‌ها دارد و دومی عمومیت رابطه مبادله‌ای بسیار پایینی با ترکمن‌ها دارد.	-۰/۴۷	-۰/۵۴	-۰/۳۹	۰/۴۴
(۱۰) با حذف عرب که عمومیت رابطه اجتماعی بسیار پایینی با تالش دارد.	(۶)	(۱۲)	(۲۳)	(۲۳)
(۱۱) با حذف بلوچ که عمومیت رابطه اجتماعی بالایی با عرب دارند.	-۰/۰۵	۰/۱۷	-۰/۳۵	۰/۹۲
(۱۲) با حذف بلوچ که علیرغم قوم‌مداری بالا رابطه اجتماعی نزدیکی با فارس‌ها دارند.	(۷)	(۱۳)	(۲۴)	(۲۴)
(۱۳) با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با آذری دارد.	-۰/۳۴	۰/۴۱	-۰/۷۳	۰/۰۳
(۱۴) با حذف ترکمن که رابطه تعارضی بسیار اندکی با بلوچ دارد.	-۰/۷۳	۰/۶۳	-۰/۶۶	-۰/۵۳
(۱۵) با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با ترکمن دارد.	(۱۴) با حذف عرب که رابطه تعارضی بسیار اندکی با بلوچ دارد. (۱۵) با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با ترکمن دارد. (۱۶) با حذف عرب که رابطه گفتمانی بسیار اندکی با تالش دارد. (۱۷) با حذف بلوچ و ترکمن که رابطه گفتمانی بالایی با فارس دارند. (۱۸) با حذف عرب و ترکمن که رابطه گفتمانی اندکی با کرد دارند. (۱۹) با حذف بلوچ که تعارض بسیار اندکی با آذری دارد. (۲۰) با حذف بلوچ که رابطه تعارضی اندکی با ترکمن دارد. (۲۱) با حذف بلوچ و ترکمن که رابطه تعارضی اندکی با تالش دارند. (۲۲) با حذف فارس و کرد که رابطه تعارضی بالایی با عرب دارند. (۲۳) با حذف کرد و عرب که رابطه تعارضی نسبتاً بالایی با فارس دارند. (۲۴) با حذف ترکمن که رابطه تعارضی بسیار اندکی با کرد دارد.			
(۱۶) با حذف ترکمن که رابطه تعارضی بسیار اندکی با تالش دارد.				
(۱۷) با حذف بلوچ و ترکمن که رابطه گفتمانی بالایی با فارس دارند.				
(۱۸) با حذف عرب و ترکمن که رابطه گفتمانی اندکی با کرد دارند.				
(۱۹) با حذف بلوچ که تعارض بسیار اندکی با آذری دارد.				
(۲۰) با حذف بلوچ که رابطه تعارضی اندکی با ترکمن دارد.				
(۲۱) با حذف بلوچ و ترکمن که رابطه تعارضی اندکی با تالش دارند.				
(۲۲) با حذف فارس و کرد که رابطه تعارضی بالایی با عرب دارند.				
(۲۳) با حذف کرد و عرب که رابطه تعارضی نسبتاً بالایی با فارس دارند.				
(۲۴) با حذف ترکمن که رابطه تعارضی بسیار اندکی با کرد دارد.				

اثر قوم‌مداری بر تعدد روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌مداری و تعدد رابطه بین قومی (نسبتی از اعضای هر قوم که با اعضای قوم دیگر یک، دو یا سه نوع رابطه همزیستانه (مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی داشته‌اند)، در جدول ۵ منعکس گردیده‌است. با توجه به جدول (۵) می‌توان گفت: نتایج بدست آمده، کاملاً مؤید فرضیه است. برحسب فرضیه‌ی تحقیق، قوم‌مداری تعدد یا تنوع رابطه‌ی همزیستانه بین قومی (مبادله‌ای، اجتماعی، گفتمانی) را کاهش می‌دهد. منفی بودن علامت ضرایب مؤید معنای مذکور است و نشان می‌دهد در نزد همه‌ی اقوام با افزایش قوم‌مداری، تنوع روابط بین قومی کاهش می‌یابد، اگرچه شدت این تاثیر در نزد اقوام، متفاوت است.

جدول ۵ مقادیر ضریب همبستگی قوم‌مداری و تنوع رابطه بین قومی

اقوام	اثر قوم‌مداری بر تنوع رابطه بین قومی	توضیحات
آذری	-۰/۶۲ (۱)	(۱) با حذف فارس و عرب که هر دو علیرغم قوم‌مداری اندک رابطه نسبتاً اندکی هم با آذری‌ها دارند.
بلوچ	-۰/۱۴ (۲)	(۲) با حذف عرب که علیرغم قوم‌مداری کم، رابطه بسیار اندکی با بلوچ دارند.
ترکمن	-۰/۲۱ (۳)	(۳) با حذف عرب که علیرغم قوم‌مداری کم، رابطه بسیار اندکی با ترکمن دارند.
تالش	-۰/۷۳ (۴)	(۴) با حذف عرب که علیرغم قوم‌مداری کم، رابطه بسیار اندکی با تالش دارند.
عرب	-۰/۳۱	(۵) با حذف عرب که با وجود قوم‌مداری نسبتاً کم رابطه بسیار اندکی با تالش دارند.
فارس	-۰/۴۵ (۵)	(۵) با حذف عرب که با وجود قوم‌مداری نسبتاً کم رابطه کمی با فارس دارد و بلوچ که با وجود قوم‌مداری بالا رابطه بسیار زیادی با فارس دارد.
کرد	-۰/۲۶ (۶)	(۶) با حذف ترکمن و عرب که بسیار کمتر از دیگر اقوام با کردها رابطه دارند.
لر	-۰/۶۳	

اثر قوم‌مداری بر تنوع گره در روابط بین قومی

ضرایب همبستگی قوم‌مداری و تنوع گره در روابط بین قومی (تنوع اقوامی که اعضای هر قوم که با آنها رابطه دارند) در جدول ۶ منعکس گردیده‌است. با توجه به جدول (۶) می‌توان

گفت: از میان چهار نوع رابطه مورد بررسی، اثر قوم‌مداری بر تنوع گره در سه نوع رابطه منفی و موید فرضیه تحقیق است و یک مورد آن (اثر قوم‌مداری بر تنوع گره روابط تعارضی) خلاف انتظار است. فرضیه تحقیق این بوده است که قوم‌مداری، تنوع گره در شبکه روابط همزیستانه (مبادله‌ای، اجتماعی و گفتمانی) بین اقوام را کاهش و بالعکس باعث افزایش گره در شبکه روابط تعارضی می‌گردد. داده‌ها مؤید بخش نخست این فرضیه است و نشان می‌دهد که قوم‌مداری، تنوع هویت جمعی (قومی) را در شبکه‌ی روابط بین قومی کاهش می‌دهد و مانع از این می‌شود که هر قوم با تعداد بیشتری از اقوام مرآوده داشته باشد. منفی بودن رابطه‌ی قوم‌مداری با تنوع گره در روابط تعارضی اگرچه برخلاف انتظار ظاهر شده لکن گویای این معناست که قوم‌مداری به طور کلی مانع از تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه اجتماعی (اعم از شبکه روابط همزیستانه یا تعارض) اقوام می‌شود.

جدول ۶ مقادیر ضریب همبستگی قوم‌مداری و تنوع گره در روابط بین قومی

نوع رابطه بین قومی	اثر قوم‌مداری بر تنوع گره	توضیحات
مبادله ای	(۱) ۰/۲۹-	(۱) و (۲) و (۳) با حذف قوم عرب که علیرغم
اجتماعی	(۲) ۰/۳۴-	قوم‌مداری کم، تعدد گیرندگان انواع روابط آن هم
گفتمانی	(۳) ۰/۲۳-	اندک است.
تعارضی	۰/۲۴-	

بحث و نتیجه‌گیری

ایران یک جامعه چندقومی است و با وجود اینکه اقوام ایرانی سرگذشت‌ها و ویژگی‌های گوناگونی دارند (رجوع کنید به احمدی، ۱۳۸۳: بخش دوم)، اما هویت ایرانی آنها همواره بر پایه مشترکات قومی استوار بوده است. در نگاه اول لازمه‌ی چنین اشتراکی این است که عصبیت‌های قومی و تمایلات مشابه آن^۱ مهار شود و تعلق به اجتماع قومی در سایه‌ی تعلق و

۱. از جمله مفاهیمی که معمولاً به همراه قوم‌مداری بررسی می‌شوند، میهن‌پرستی (patriotism)؛ شووینیسیم (Chauvinism) یا میهن‌پرستی افراطی، ملی‌گرایی (Nationalism)، بیگانه‌هراسی (Xenophobia) و بویژه نژادگرایی (racism) است. در مورد

وابستگی به اجتماع ملی قرار بگیرد؛ در این معنا قوم‌مداری و عصبیت قومی مانع شکل‌گیری هویت ملی محسوب می‌شود و این ممانعت به طور عمده از طریق اختلال و گسست در روابط بین‌قومی ایجاد می‌شود (یوسفی ۱۳۸۰). در حال حاضر اقوام گوناگونی در ایران زندگی می‌کنند و مطالعه‌ی وضعیت روابط بین‌قومی در بین هشت قوم عمده‌ی ایرانی نشان می‌دهد اگرچه فراوانی روابط همزیستانه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بین قومی در نزد همه‌ی اقوام بیش از روابط تعارضی است لکن برخلاف تصور رایج، فرستندگی رابطه در نزد اقوام اقلیت مثل بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و طالش‌ها بیش از گیرندگی رابطه است. یعنی در حالیکه اقوام اقلیت میل به رابطه با اقوام دیگر دارند لکن از جانب دیگر اقوام بویژه فارس‌ها پذیرندگی رابطه پائین است و این عدم تقارن، موقعیت متفاوتی را برای اقوام در شبکه قومی‌کشور رقم زده است (یوسفی، ۱۳۸۳). بدون تردید بخشی مهمی از کم و کیف روابط بین‌قومی ناشی از پیش‌داوری‌های مثبت یا منفی اقوام نسبت به یکدیگر و قوم‌مداری (اعتقاد به فضیلت و برتری قوم خود بر سایر اقوام) آنهاست. به‌علاوه کاهش رابطه‌ی بین قومی، خود باعث تشدید پیش‌داوری و قوم‌مداری است. در مقاله‌ی حاضر نشان داده شد قوم‌مداری به طوری کلی در تمام اقوام کشور بالاست و همانطور که انتظار می‌رفت، قوم‌مداری بر روی انواع روابط همزیستانه قومی (شامل روابط مبادله‌ای، گفت‌وگویی و اجتماعی) اثر منفی داشته و در مقابل تعارضات بین قومی را تشدید می‌کند. نتایج تحلیل همبستگی قوم‌مداری و روابط بین‌قومی نشان داد قوم‌مداری همه‌ی وجوه رابطه‌ی (شدت، تعدد و عمومیت روابط و تنوع گره در روابط) اقوام را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در اغلب موارد باعث تضعیف خصوصیات رابطه‌ی مذکور می‌گردد. در عین حال پذیرفتنی است که تنها قوم‌مداری نیست که روابط بین‌قومی را تغییر (کاهش) می‌دهد، متغیرهایی همچون مجاورت مکانی و تجانس فرهنگی (به ویژه تجانس زبانی و مذهبی) نیز بر روابط بین قومی اثر گذارند. همچنان که نتایج خلاف انتظار در تحلیل همبستگی دو متغیر مذکور و تفاوت شدت همبستگی این دو متغیر در نزد اقوام مختلف نیز

اخیر می‌توان گفت تقریباً همه‌ی نژادپرستان، قومیت‌گرا هم هستند، اما عکس این مطلب صادق نیست. تقریباً هر گروهی که به فضایل فرهنگی خود افتخار می‌کند، از آن جهت، همسایگان خود را تقبیح و بی‌ارزش جلوه می‌دهد. اما این فکر که یک گروه به خاطر ویژگی نژادی آن، بر دیگری برتری دارد، چندان عمومیت ندارد (Lester 2004: 105).

این معنا را آشکار می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته که قوم‌مداری و تمایلات مشابه آن یک مانع فرهنگی مهم برای گسترش مناسبات بین قومی است، تقویت عناصر فرهنگی مشترک می‌تواند زمینه‌ی فکری و ذهنی لازم را برای برقراری و تقویت روابط بین قومی و در نتیجه تقویت یکپارچگی ملی فراهم آورد.

منابع

- [۱] احمدی، حمید، قومیت و قوم‌گرایی در ایران. نشر نی، تهران، ۱۳۸۲.
- [۲] برتون، رولان، قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه ناصر فکوهی. نشر نی، تهران، ۱۳۸۰.
- [۳] بولمر، مارتین و جان سولوموس، مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم. ترجمه پرویز دلیرپور و محمدکمال سرویان. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۱.
- [۴] چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
- [۵] وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و همکاران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- [۶] یوسفی، علی، روابط بین قومی در ایران، کاوش، شماره ۱ (مجموعه مقالات قومی)، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها، تهران، ۱۳۸۳.
- [۷] یوسفی، علی، روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دوم، ۱۳۸۰.
- [۸] یوسفی، علی، طبقه‌بندی اجتماعی اقوام در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۱.

- [9] Bandura, A. Moral disengagement in the perpetration of in humanities. *Personality and social psychology review*, 3 (3), 193–209, 1999.
- [10] Burgess, Robert G., ed. *Key Variables in Social Investigation*. London: Routledge, 1986.
- [11] Carignan, Nicole & Michael Sanders & Ronald G. Pourdavood. *Racism*

and ethnocentrism: Social representations of preservice teachers in the context of multi and intercultural education. *International Journal of Qualitative Methods*, 4(3), 2005.

- [12] Gudykunst, W. B. *Bridging differences*. Thousand Oaks, CA: Sage, 1994.
- [13] Gurr, T. & B. Harff *Ethnic Conflict in World Conflicts*. Boulder, CO: Westview, 1994.
- [14] Gurr, T. *Minorities at Risk: A Global View Ethnopolitical Conflicts*. Washington, DC: United States Institute for Peace Press, 1993.
- [15] Gurr, T. *Peoples Versus States: Minorities at Risk in New Century*. Washington, DC: United States Institute for Peace Press, 2000.
- [16] Harff, B. & T. Gurr *Systematic Early Warning of Humanitarian Emergencies*. Working Paper, Minorities at Risk Project. Available at www.cidcm.umd.edu/projects/mar.htm, 1998.
- [17] Hammond, R. A. & R. Axelrod. *The Evolution of Ethnocentrism*. University of Michigan, 2005.
- [18] Lester, Julius. *Racism, Anti-Semitism and the Concept of Evil*. In "Textures and Meaning: Thirty Years of Judaic Studies at the University of Massachusetts Amherst". L. Ehrlich, S. Bolozky, R. Rothstein, M. Schwartz, J. Berkovitz, J. Young (Eds). Department of Judaic and Near Eastern Studies, University of Massachusetts Amherst, 2004.
- [19] Navarrete, C. D., & Fessler, D. M. T. Disease avoidance and ethnocentrism: The effects of disease vulnerability and disgust sensitivity on intergroup attitudes. *Evolution and Human Behavior*, 27, 270–282, 2006.

- [20] Neuliep, James W. & James C. McCroskey. The Development of a US and Generalized Ethnocentrism Scale. *Communication Research Methods*, Volume 14, No. 4, pp. 385-398, 1997.
- [21] Parsons, T. *Social Systems and the Evolution of Action Theory*, The Free Press, 1977.
- [22] Ringer, Benjamin B. and Lawless, Elinor R. *Ethnicity and society*. London Routledge, 1989.
- [23] Weber, Max *Economy and Society*, University of California Press, 1978.